

العقيدة الصحيحة وما يضادها
عقیده صحیح و آنچه با آن در تضاد است

عقیده صحیح و آنچه با آن در تضاد است

تالیف:

علامه شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وصحبه.

اما بعد: از آنجا که عقیده صحیح، اصل و بنیاد دین اسلام و اساس ایمان است، بر آن شدم که این موضوع را برای سخنرانی انتخاب کنم. با توجه به دلایل شرعی از قرآن و سنت معلوم و بدیهی است که اعمال و اقوال تنها زمانی صحیح و قابل قبول خواهند بود که از عقیده‌ای صحیح سرچشمه بگیرد؛ پس اگر عقیده صحیح و سالم نباشد، همه‌ی اعمال و اقوالی که از آن نشأت می‌گیرد، باطل خواهد بود، همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَجِلُّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٥﴾

«[ای مسلمانان،] امروز خوراکی‌های پاکیزه برای‌تان حلال شده است و [ذبیح و] غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما [نیز] برای آنان حلال است؛ و [همچنین ازدواج با] زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن [اهل کتاب، یعنی] کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [آسمانی] داده شده است [حلال است]؛ به شرط آنکه مهریه‌های آنان را بپردازید، درحالی‌که خود پاکدامن باشید، نه زناکار و نه [اینکه زنان را] پنهانی به دوستی بگیرید؛ و هرکس به [ارکان] ایمان کفر بورزد، قطعاً عملش تباه شده است و در آخرت از زیانکاران خواهد بود». [المائدة: ۵]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝۶۵﴾

«و به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد». [الزمر: ۶۵]. و آیات در این معنا بسیارند؛ و کتاب روشن خداوند و سنت پیامبر امین او -صلی الله علیه وسلم- بر این دلالت دارند که عقیده صحیح در ایمان به خداوند، ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، روز آخرت و خیر و شر قضا و قدر خلاصه می‌شود؛ این امور ششگانه، اصول عقیده صحیحی است که قرآن با آنها نازل شده و خداوند پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- را با آنها مبعوث نموده

و به پیامبری برگزیده است. ایمان به امور غیبی و باور به همه آنچه الله و رسولش -صلی الله علیه وسلم- به آن خبر داده‌اند نیز از این اصول منشعب می‌شود. و ادله این اصول ششگانه در قرآن و سنت بسیار زیاد است، از جمله این فرموده خداوند متعال:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سمت مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز بازپسین و ملائکه و کتاب [های آسمانی] و پیامبران ایمان آورد». [البقرة: ۱۷۷]. و همچنین اینکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾

«رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند [و رسول و مؤمنان گفتند]: میان هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم [و به همه‌ی‌شان ایمان داریم]». [البقرة: ۲۸۵]. و اینکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (۱۳۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به الله و پیامبرش و کتابی که بر فرستاده‌اش نازل کرده و کتابی که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هر کس به الله و فرشتگانش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز قیامت کافر شود، به تحقیق در گمراهی دور و درازی افتاده است» [النساء: ۱۳۶]. و اینکه می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (۷۰)

«آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ بی‌گمان [همه] اینها در کتابی = [لوح محفوظ، ثبت] است. مسلماً این [کار،] بر الله آسان است» [الحج: ۷۰]. اما احادیث صحیحی که بر این اصول دلالت دارند، بسیار زیاد هستند؛ از جمله حدیث صحیح مشهوری که امام مسلم در صحیح خود از امیر المؤمنین عمر بن خطاب -رضی الله عنه- روایت می‌کند که جبرئیل -علیه السلام- از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در مورد ایمان پرسید که ایشان فرمودند: «الإيمان أن تؤمن بالله، وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره» [1] الحديث، «ایمان یعنی باور داشتن به خداوند، ملائکه‌ی او، کتاب‌هایش، پیامبرانش، روز آخرت و خیر و

شر قضا و قدر»^۱. [شیخان (بخاری و مسلم) این حدیث را از ابوهریره روایت کرده‌اند]. همهٔ مواردی که باید یک مسلمان در رابطه با حق خداوند و امر آخرت و دیگر امور غیبی باور و اعتقاد داشته باشد، از این اصول ششگانه منشعب می‌شود.

ایمان به الله تعالی

ایمان به اینکه الله متعال تنها معبود به حق است که شایسته و مستحق عبادت است و هیچ کسی جز او این شایستگی را ندارد.

از لوازم ایمان به خداوند، ایمان و باور به این است که او معبود بر حق و شایسته‌ی عبادت است و هیچ ذات دیگری لایق عبادت نیست، چرا که او خالق بندگان و کسی است که به آنان نیکی می‌کند، روزی‌دهنده‌ی آنان است، آگاه از نهان و آشکار آنان است و قادر به پاداش دادن به اطاعت‌کنندگان و مجازات کردن گناهکاران است. و برای همین عبادت است که خداوند انسان‌ها و جنیان را خلق نموده و آنها را به آن فرمان داده است، چنان‌که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝۶﴾

۱ صحیح مسلم، کتاب ایمان (شماره ۸)؛ جامع ترمذی، کتاب ایمان (شماره ۲۶۱۰)؛ سنن نسائی، کتاب ایمان و شرائع آن (شماره ۴۹۹۰)؛ سنن ابوداود، کتاب سنت (شماره ۴۶۹۵)؛ سنن ابن ماجه، مقدمه (شماره ۶۳)؛ مسند احمد (۲۷/۱).

«و من جن و انس را نیافریده‌ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.» [الذاریات: ۵۶].

﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا﴾ (۵۷)

نه از آنان روزی می‌خواهم و نه اینکه مرا خوراک دهند.* [الذاریات: ۵۷].

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (۵۸)

[زیرا] الله است که روزی‌رسان نیرومند و برقرار است.* [الذاریات: ۵۸]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲۱)

«ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید که شما و پیشینیان‌تان را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید.» [البقرة: ۲۱].

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (۲۲)

آن ذاتی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را [همچون سقفی] بالای سرتان قرار داد و از آسمان، آبی فروفرستاد و به وسیله آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزی شما باشد؛ پس همتیانی برای الله قرار ندهید، درحالی‌که [حقیقت را] می‌دانید.* [البقرة: ۲۲]. خداوند

متعال، پیامبران را فرستاد و کتابها را نازل کرد تا این حقیقت را بیان کنند و مردم را به سوی آن دعوت دهند، و از آنچه مخالف آن است، هشدار دهند، همانگونه که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

«و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید فقط] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید». [النحل: ۳۶]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (۲۵)

«و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید». [الانبیاء: ۲۵]. و خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿الر كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۝ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۚ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ (۲)

«الر [= الف. لام. را]. این [قرآن] کتابی است که آیات آن استحکام یافته است و سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است.*

[پیام پیامبر این است] که جز الله را عبادت نکنید [که] بی‌تردید، من از سوی او برای‌تان بیم‌دهنده و بشارتگر

هستم». [هود: ۱-۲]. حقیقت این عبادت، یگانه شمردن خداوند متعال در تمام امور عبادی است که بندگان به آن مشغولند، مانند دعا، بیم و امید، نماز، روزه، قربانی، نذر و سایر انواع عبادات. و این عبادت باید با خضوع کامل در برابر خداوند و توأم با اشتیاق و ترس به همراه محبت کامل نسبت به خداوند و خواری و فروتنی در برابر عظمتش باشد. بیشتر آیات قرآن کریم در بیان این اصل بزرگ نازل شده است، مانند این فرموده خداوند متعال:

﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾

«پس الله را درحالی که دین خود را برای او خالص گردانده‌ای عبادت کن؛*»

آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است». [الزمر: ۲-۳]. و اینکه می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا﴾

«و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید». [الاسراء: ۲۳]. و اینکه فرموده است:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۚ﴾

«[ای مردم! تنها] الله را با خلوص اعتقاد بخوانید؛ هرچند کافران خوش‌شان نیاید». [غافر: ۱۴]. در صحیحین از معاذ رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم-

فرمودند: «حق الله على العباد أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئا» [2].
«حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را
برای او شریک قرار ندهند».¹

ایمان به همه آنچه خداوند بر بندگان واجب و فرض
نموده است از جمله ارکان پنجگانه ظاهری اسلام.

همچنین از لوازم ایمان به خداوند، ایمان به همه چیزهایی
است که خداوند بر بندگان واجب و فرض نموده است، از
جمله ارکان پنجگانه ظاهری اسلام که عبارتند از: شهادت لا
اله الا الله و محمدا رسول الله، برپا داشتن نماز، پرداخت
زکات، روزه گرفتن رمضان و ادای حج بیت الله الحرام برای
کسی که توانایی آن را دارد؛ و سایر فریضه‌هایی که شریعت
پاک اسلام آورده است.

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این ارکان، گواهی و شهادت لا اله
الا الله و محمدا رسول الله است. اقتضای شهادت لا اله الا الله،
اخلاص در عبادت برای خداوند و نفی آن از دیگران است. و
این همان معنای لا اله الا الله می‌باشد. معنای این جمله آن است
که هیچ معبود بر حق جز الله وجود ندارد؛ و هر انسان یا
فرشته یا جن و موجود دیگری که به جای الله عبادت شود،
معبودی باطل است و تنها الله معبود به حق است، همانگونه
که خود می‌فرماید:

1 بخاری، کتاب جهاد و سیر (۲۷۰۱)، مسلم، کتاب ایمان (۳۰)، ترمذی،
کتاب ایمان (۲۶۴۳)، ابن ماجه، کتاب زهد (۴۲۹۶)، احمد (۲۳۸/۵).

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ﴾

«این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که [مشرکان] جز او می‌خوانند [همه] باطل است». [الحج: ۶۲].
و پیش‌تر بیان شد که خداوند سبحان انسان‌ها و جنیان را برای این اصل اصیل آفریده و آن‌ها را به آن دستور داده است. و پیامبرانش را با آن فرستاده و کتاب‌هایش را نیز برای آن نازل نموده است، پس خوب بیندیشید و تأمل کنید تا دریابید که امروزه چگونه بیشتر مسلمانان نسبت به این اصل بزرگ جاهل هستند تا جایی که همزمان با الله متعال غیر او را عبادت می‌کنند و حق خالص الله را به دیگران داده‌اند. والله المستعان
ایمان به اینکه الله آفریدگار جهانیان و تدبیرکننده امور آنان و کسی است که در میان آنها با علم و قدرت خود تصرف می‌کند.

و از لوازم ایمان به الله، باور به این است که او آفریدگار جهانیان و تدبیرکننده امور آنان و کسی است که با دانش و قدرتش هرگونه که می‌خواهد در میان آنها تصرف می‌کند؛ و اینکه الله مالک دنیا و آخرت و پروردگار همه جهانیان است و هیچ خالق و آفریدگار و پروردگاری جز او وجود ندارد. و اوست که برای اصلاح بندگان و دعوت آن‌ها به سوی آنچه نجات و صلاح دنیا و آخرت آن‌ها را در پی دارد، پیامبران را فرستاده و کتاب‌ها را نازل کرده است. و اینکه الله سبحان در همه این موارد هیچ شریکی ندارد، همانگونه که می‌فرماید:

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۖ﴾

«الله آفریدگار هر چیزی است و او تعالی بر همه چیز
[نگهبان و] کارساز است». [الزمر: ۶۲]. و الله تعالی
می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَبِيبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ
مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝﴾

«[ای مردم،] بی‌گمان، پروردگار شما الله است که
آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که
شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت.
[تاریکی] شب را با [روشنایی] روز می‌پوشاند که [هریک،]
آن [دیگری] را شتابان می‌جوید؛ و خورشید و ماه و ستارگان
را [پدید آورد] که [همگی] به فرمان او به خدمت [انسان]
گماشته شده‌اند. آگاه باشید! آفرینش و فرمانروایی از آن اوست.
پربرکت [و بزرگ] است الله که پروردگار جهانیان است». [الأعراف: ۵۴].

ایمان به نام‌های نیک خداوند و صفات والای او، بدون
تحریف و تعطیل و کیفیت قائل شدن و تمثیل.

همچنین از لوازم ایمان به خداوند، ایمان به نام‌های نیک و
صفات والای اوست که در قرآن کریم یا از طریق سنت پیامبر
صلی الله علیه وسلم- ثابت شده‌اند؛ بدون هیچ‌گونه تحریف،

تعطیل، تعیین کیفیت یا تمثیل؛ بلکه واجب است همانگونه که در نصوص وارد شده‌اند، از آنها عبور کرد، بی‌آنکه برای آنها کیفیت قائل شویم؛ و به معانی بزرگی که اوصاف الهی بر آنها دلالت می‌کنند، ایمان داشته باشیم. چنانکه واجب است خداوند متعال را آنگونه که لایق اوست به آنها توصیف نماییم، بی‌آنکه هیچیک از صفات او را به صفات مخلوقاتش تشبیه کنیم، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

«هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوای بیناست».

[الشوری: ۱۱]. و خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۚ﴾

«پس برای الله امثال [و شریک‌های متعدد] قائل نشوید.

بی‌تردید، الله می‌داند و شما نمی‌دانید». [النحل: ۷۴]. این عقیده اهل سنت و جماعت از اصحاب پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- و کسانی است که به نیکی از آنان پیروی نمودند؛ همان عقیده‌ای است که امام ابوالحسن اشعری -رحمه الله- در کتاب «المقالات عن أصحاب الحديث وأهل السنة» نقل کرده است و سایر اهل علم و ایمان نیز آن را نقل کرده‌اند.

اوزاعی -رحمه الله- می‌گوید: «از زهری و مکحول درباره آیات صفات سوال شد، آنها گفتند: از آنها چنانکه (در قرآن و سنت) وارده شده‌اند، بگذرید». ولید بن مسلم -رحمه الله- می‌گوید: «از مالک، اوزاعی، لیث بن سعد و سفیان

ثوری -رحمهم الله- در مورد اخبار نقل شده در مورد صفات پرسیده شد که همه آنها گفتند: از آنها چنانکه وارد شده‌اند بگذرید، بی‌آنکه برای آنها کیفیت قائل شوید». اوزاعی -رحمه الله- می‌گوید: «ما در حالی که تابعین وجود داشتند می‌گفتیم: الله متعال بر عرش خود است و به صفاتی که در سنت وارد شده ایمان داریم». و هنگامی که از ربیعہ بن ابی عبدالرحمن شیخ امام مالک -رحمهما الله- در مورد استواء پرسیده شد، گفت: «استواء مجهول نیست اما چگونگی آن غیر قابل درک است. رسالت از جانب خداوند است و بر پیامبر -صلی الله علیه وسلم- ابلاغ و تبیین و بر ما تصدیق آن واجب است». وقتی از امام مالک -رحمه الله- درباره آن پرسیدند، فرمود: «استواء معلوم است و چگونگی آن مجهول؛ ایمان به آن واجب است و سوال کردن درباره‌ی [چگونگی] آن بدعت است». سپس به پرسشگر گفت: «تو را جز مردی بد نمی‌بینم!» و دستور داد او را بیرون کنند.

این معنا از ام المؤمنین ام سلمه -رضی الله عنها- هم روایت شده است، امام ابو عبدالرحمن بن مبارک -رحمه الله- می‌گوید: «ما پروردگار خود را این‌گونه می‌شناسیم که بر فراز آسمان‌ها بر عرش خود و جدای از مخلوقاتش قرار دارد». سخن ائمه در این زمینه بسیار زیاد است که نمی‌توان همه آنها را در این سخنرانی نقل نمود. اما هرکس در پی اقوال بیشتری در این زمینه است، باید به کتاب‌هایی مراجعه کند که علمای اهل سنت در این باب نوشته‌اند؛ مانند کتاب «السنة» نوشته‌ی عبدالله بن امام احمد، کتاب «التوحید»

نوشته‌ی امام بزرگوار محمد بن خزیمه، کتاب «السنة» نوشته‌ی ابوالقاسم لالکائی طبری، کتاب «السنة» نوشته‌ی ابو بکر بن ابی عاصم و پاسخ شیخ الاسلام ابن تیمیه به اهل حماة که پاسخ بزرگ و پر فایده‌ای است. شیخ الاسلام -رحمه الله- در این پاسخ عقیده اهل سنت را توضیح داده و بسیاری از کلام آن‌ها را نقل نموده و دلایل شرعی و عقلی بر صحت گفته‌های اهل سنت و بطلان آنچه مخالفان‌شان گفته‌اند، آورده است. به همین ترتیب، رساله‌ی معروف ایشان به نام «التدمرية» که شرح مفصل‌تری ارائه نموده و در آن عقیده اهل سنت را با ادله نقلی و عقلی بیان نموده و به‌گونه‌ای پاسخ مخالفان را داده است که حق را آشکار نموده و باطل را برای هر اهل علمی که با نیت نیک و علاقه به شناخت حق به آن بنگرد، در هم شکسته است. و هر کسی که در باب اسماء و صفات با اهل سنت مخالفت کند، حتما گرفتار مخالفت با ادله نقلی و عقلی و تناقض آشکار در همه‌ی مواردی می‌شود که اثبات و نفی می‌کند.

اما اهل سنت و جماعت آنچه را که خداوند در کتابش برای خود ثابت نموده و یا پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- در سنت صحیح خود برای او ثابت نموده، ثابت می‌دانند، بی‌آنکه در اثبات خود گرفتار تمثیل و تشبیه شوند؛ و خداوند را از مشابهت و همانندی با مخلوقاتش منزّه دانسته‌اند، به‌گونه‌ای که از تعطیل (انکار صفات) به دور باشند. و به این ترتیب از تناقضات در امان مانده و به تمام ادله وارد شده در شرع عمل کرده‌اند. و سنت خداوند متعال در مورد تمام کسانی که بر

حقّی تمسک می‌جویند که پیامبرانش با آن فرستاده شده‌اند و تلاش خود را در این راه به‌کار می‌گیرند و در طلب آن اخلاص برای او را در نظر دارند، این است که آن‌ها را در مسیر دست یافتن به حق یاری نموده و توفیق می‌دهد و حجتش را برای آن‌ها آشکار می‌سازد، چنانکه در قرآن فرموده است:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾

«بلکه ما حق را بر باطل می‌افکنیم که آن را در هم می‌شکند و ناگاه آن [باطل] نابود می‌شود». [الأنبياء: ۱۸]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۝۳۳﴾

«و [کافران] هیچ [اعتراض و] مثلی برایت نمی‌آورند، مگر آنکه ما [نیز پاسخی] برحق و خوش‌بین‌تر برایت می‌آوریم». [الفرقان: ۳۳]. حافظ ابن کثیر -رحمه الله- در تفسیر مشهور خود و در تفسیر این فرموده خداوند: «[ای مردم،] بی‌گمان، پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت». [الأعراف: ۵۴]. سخن بسیار زیبایی در این زمینه دارد که بخاطر فایده بزرگ آن شایسته‌ی نقل است. ایشان می‌گوید: «مردم در این رابطه دیدگاه‌های زیادی دارند که جای شرح و بسط آنها در اینجا نیست؛ ولی ما در این مقام، پیروی از روش سلف صالح را برگزیده‌ایم؛ بزرگانی مانند مالک، اوزاعی، ثوری، لیث بن

سعد، شافعی، احمد، اسحاق بن راهویه و دیگر ائمه مسلمانان در گذشته و حال. روش ما این است که صفات خداوند را همانطور که در متن آمده است، بدون تکیف (کیفیت قائل شدن)، تشبیه یا تعطیل می‌پذیریم؛ و هر آنچه در ذهن تشبیه‌گران نسبت به خداوند متبادر می‌شود، از او نفی می‌شود، زیرا خداوند هیچ شباهتی با هیچ مخلوقی ندارد و هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوای بیناست؛ بلکه چنان است که ائمه از جمله نعیم بن حماد خزاعی، شیخ بخاری گفته‌اند: «کسی که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه کند، کافر می‌شود و کسی که چیزی را انکار کند که خداوند خود را به آن توصیف کرده است، کافر می‌شود. و در آنچه خداوند خود را به آن توصیف نموده و یا پیامبرش او را توصیف کرده، هیچ تشبیهی وجود ندارد. بنابراین هرکس آنچه که در آیات صریح و اخبار صحیح آمده است، برای خداوند چنان ثابت بداند که مناسب و شایسته‌ی جلال و بزرگی خداوند باشد و نقص‌ها را از او نفی کند، مسیر هدایت را پیموده است».

ایمان به ملائکه

و اما ایمان به ملائکه متضمن ایمان کلی و تفصیلی به آن‌ها است، چنانکه انسان مسلمان باید ایمان داشته باشد که خداوند ملائکه‌ای دارد که آن‌ها را برای عبادتش آفریده و آن‌ها را بندگانی گرامی توصیف کرده که هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و [پیوسته] به فرمانش عمل می‌کنند.

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ (٢٨)

«[الله] گذشته و آینده آنان را می‌داند و آنان جز برای کسی که او بپسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند». [الأنبياء: ٢٨]. و آنها انواع مختلفی دارند؛ برخی از آنها مسئول حمل عرش هستند، برخی نگهبانان بهشت و جهنم‌اند و برخی دیگر مسئول حفظ اعمال بندگان هستند. ما به طور تفصیلی به ملائکه‌ای که خداوند و پیامبرش نام برده‌اند ایمان داریم، مانند جبرئیل، میکائیل، مالک نگهبان جهنم و اسرافیل که مسئول دمیدن در صور است. ذکر اسرافیل در احادیث صحیح آمده است و در صحیح مسلم از عایشه -رضی الله عنها- روایت شده که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وَصَفَ لَكُمْ» [3] «ملائکه از نور آفریده شده‌اند و جن از شعله‌ای از آتش؛ و آدم از چیزی که برای شما توصیف شده است».¹ [به روایت مسلم در صحیحش].

ایمان به کتاب‌های آسمانی

و ایمان به کتاب‌های آسمانی نیز چنین است؛ باید ایمان کلی به این داشت که خداوند برای بیان حق خود و دعوت به سوی

1 مسلم، الزهد والرقائق (٢٩٩٦)، أحمد (١٥٣/٦).

او کتاب‌هایی را بر پیامبران نازل نموده است، همانگونه که خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

«درحقیقت، ما پیامبران خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و کتاب و میزان [تشخیص حق از باطل،] با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند». [الحديد: ۲۵]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ﴾

«[در آغاز،] مردم یک امت [و پیرو یک دین] بودند [اما پس از آنکه اختلاف کردند] آنگاه الله پیامبران را بشارت‌بخش و بیم‌دهنده برانگیخت و همراه با آنان کتاب [آسمانی] را به‌حق نازل کرد تا میان مردم در اختلاف‌شان داوری کنند؛ و فقط کسانی که [تورات] به آنان داده شده بود - پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنها رسید- به خاطر ستم و حسادتی که بینشان بود، در مورد آن اختلاف کردند». [البقرة: ۲۱۳].

ما به طور تفصیلی به تمام کتاب‌هایی ایمان داریم که خداوند از آن‌ها نام برده است؛ مانند تورات، انجیل، زبور و قرآن که بهترین و کامل‌ترین آن‌هاست. قرآن، نگهبان و تصدیق‌کننده دیگر کتاب‌هاست و بر تمام امت واجب است که

از آن پیروی نموده و بر اساس آن حکم و داوری کنند، همراه با آنچه که از سنت صحیح رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است. زیرا خداوند سبحان پیامبر خود محمد -صلی الله علیه وسلم- را به عنوان پیامبر برای تمام انسان ها و جنیان فرستاده است و قرآن را بر او نازل کرد تا به وسیله آن حکم و داوری کند؛ و آن را شفایی برای آنچه در دل هاست و بیان گر هر چیزی و هدایت و رحمت برای مؤمنان قرار داده است؛ چنان که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝۱۵۵﴾

«و این [قرآن] که آن را نازل کردیم کتابی پُربرکت است؛ پس از آن پیروی کنید و تقوا پیشه کنید؛ باشد که مورد رحمت [الله] قرار گیرید». [الأنعام: ۱۵۵]. و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾

«و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که روشن گر همه چیز است و برای مسلمانان، رهنمود و رحمت و بشارت است». [النحل: ۸۹]. و الله تعالی می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝۱۵۸﴾

بگو: «ای مردم، من فرستاده‌ی الله به سوی همه‌ی شما هستم؛ همان [پروردگاری] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس به الله و فرستاده‌اش آن پیامبر درس‌ناخوانده‌ای که به الله و سخنانش باور دارد- ایمان بیاورید و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید». [الأعراف: ۵۸]. آیات در این رابطه بسیارند.

ایمان به پیامبران

همچنین ایمان به پیامبران واجب است. باید به‌طور کلی و تفصیلی به آن‌ها ایمان داشت و باور داشت که الله عزوجل پیامبرانی را برای بشارت و هشدار و دعوت به‌سوی حق به سوی بندگان فرستاده است، پس هرکس دعوت آنان را اجابت کند به سعادت و خوشبختی می‌رسد و کسی که با آن‌ها مخالفت کند، دچار زیان و پشیمانی می‌شود؛ و آخرین و بهترین پیامبران، پیامبر ما محمد بن عبدالله -صلی الله علیه وسلم- است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

«و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند فقط] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید». [النحل: ۳۶]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾

«پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت] پیامبران، در مقابل الله [هیچ بهانه و] حجتی نباشد». [النساء: ۱۶۵]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾

«محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نبوده است، (نه پدر زید و نه هیچ‌کس دیگری) بلکه فرستاده‌ی الله به سوی مردم و خاتم پیامبران است». [الأحزاب: ۴۰]. و به هرکسی که خداوند به عنوان پیامبر از او نام برده یا ثابت شده که رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- از او نام برده است، به طور تفصیلی و مشخص ایمان داریم، مانند نوح، هود، صالح، ابراهیم و دیگر پیامبران که درود و سلام خدا بر پیامبر ما و بر همه‌ی آنان باد.

ایمان به روز بازپسین (آخرت)

و اما ایمان به روز بازپسین (آخرت):

شامل ایمان به هر چیزی می‌شود که خداوند و پیامبرش -صلی الله علیه وسلم- از رخدادهای بعد از مرگ خبر داده‌اند مانند فتنه و همچنین عذاب و نعمت قبر؛ و اتفاقات هولناک و سختی‌هایی که در روز قیامت واقع می‌شود؛ و پل صراط، ترازوی اعمال، حساب و جزای اعمال و نشر کارنامه‌ی اعمال در میان مردم و اینکه کسانی کارنامه‌ی اعمال‌شان را به دست راست می‌گیرند و کسانی نیز کارنامه‌ی اعمال‌شان را به دست

چپ یا از پشت سر می‌گیرند. و همچنین شامل ایمان به حوض پیامبران محمد می‌شود که مردم بر آن وارد می‌شوند و ایمان به بهشت و دوزخ و اینکه مومنان پروردگارشان را می‌بینند و خداوند با آن‌ها سخن می‌گوید؛ و سایر مواردی که در قرآن کریم و سنت صحیح پیامبر -صلی الله علیه وسلم- وارد شده است؛ باید به همه آنها ایمان آورد و به‌گونه‌ای که خداوند و پیامبرش -صلی الله علیه وسلم- بیان کرده‌اند، تصدیق کرد.

ایمان به تقدیر

و اما ایمان به تقدیر شامل ایمان به چهار چیز می‌شود:

اول: اینکه خداوند از آنچه بوده و آنچه خواهد بود، آگاه است؛ و احوال بندگان را می‌داند و از روزی آن‌ها و زمان مرگ‌شان و اعمال و کردارشان و دیگر امور زندگی‌شان مطلع است و هیچ چیزی از زندگی آن‌ها بر خداوند پنهان نمی‌ماند، چنانکه می‌فرماید:

﴿أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

«همانا خداوند به هر چیزی داناست». [البقرة: ۲۳۱]. و

خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾

«تا بدانید که الله بر همه چیز تواناست و اینکه علم الله بر

همه چیز احاطه دارد». [الطلاق: ۱۲].

دوم: اینکه خداوند متعال هر آنچه را تقدیر نموده نوشته است، چنانکه خود می‌فرماید:

﴿فَقَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ﴾

«بی‌تردید، ذراتی که زمین از بدن آنان می‌کاهد [همه را] می‌دانیم؛ و کتابی نگاهبان در اختیار داریم [که هر چه بر آنان مقدر گشته، در آن ثبت است]». [ق: ۴]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾

«و همه چیز را در کتابی روشن [= لوح محفوظ] به شمار آورده‌ایم». [یس: ۱۲]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

«آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ بی‌گمان [همه] اینها در کتابی [ثبت] است. مسلماً این [کار،] بر الله آسان است» [الحج: ۷۰].

سوم: ایمان به اینکه اراده و مشیئت الهی نافذ است، چنانکه هر آنچه او بخواهد می‌شود و هر آنچه نخواهد نمی‌شود، همانگونه که خود می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾

«الله هر چه بخواهد انجام می‌دهد». [الحج: ۱۸] و خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝۸۲﴾

«فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می‌گوید: "موجود شو"؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود». [یس: ۸۲]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝۳۰﴾

«و شما چیزی را نمی‌خواهید، مگر اینکه الله بخواهد. بی‌گمان، الله دانای حکیم است». [الانسان: ۳۰].

چهارم: اینکه خداوند همه موجودات را آفریده و هیچ خالق و پروردگاری جز او وجود ندارد، چنانکه می‌فرماید:

﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝۶۲﴾

«الله آفریدگار هر چیزی است و او تعالی بر همه چیز [نگهبان و] کارساز است». [الزمر: ۶۲]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ۝۳﴾

«ای مردم، نعمت الله را بر خود به یاد آورید. آیا آفریننده‌ای جز الله هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبود بر حق جز او نیست؛ پس چگونه [از حق]

منحرف می‌شوید؟» [فاطر: ۳]. بنابراین نزد اهل سنت و جماعت، ایمان به تقدیر شامل این امور چهارگانه می‌شود بر خلاف اهل بدعت که برخی از آنها را انکار کرده و نپذیرفته‌اند.

ایمان قول و عمل است و با اطاعت و فرمانبرداری زیاد و با نافرمانی و گناه کم می‌شود.

و از مصادیق ایمان به خداوند، اعتقاد به این است که ایمان قول و عمل است و با طاعت و عبادت زیاد و با گناه و نافرمانی کم می‌شود؛ و تکفیر یکی از مسلمانان بخاطر گناهی کمتر از شرک و کفر همانند زنا، سرقت، رباخواری، مشروب‌خواری، نافرمانی و اذیت و آزار والدین و دیگر گناهان کبیره جایز نیست مادامی که آنها را حلال نداند. و دلیل آن این فرموده خداوند است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

«بی‌گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی‌بخشد و غیر از آن را - برای هرکس بخواهد - می‌بخشد.»
[النساء: ۴۸]. و به دلیل آنچه در احادیث متواتر از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت شده است که خداوند هر کسی که در قلبش به اندازه‌ی ذره‌ای خردل ایمان باشد، از دوزخ خارج می‌کند.

محبت ورزیدن برای خداوند و کینه ورزیدن برای خداوند، دوستی بخاطر خداوند و دشمنی بخاطر خداوند.

و از لوازم ایمان به الله، محبت ورزیدن برای او و کینه و کراهت و انزجار برای او و دوستی بخاطر او و دشمنی بخاطر اوست. و به این ترتیب مؤمن، مؤمنان را دوست دارد و با آنان دوستی می‌کند و نسبت به کافران کراهت و کینه دارد و با آنان دشمنی می‌کند. و در رأس مؤمنان این امت، اصحاب پیامبر -صلی الله علیه وسلم- قرار دارند. پس اهل سنت و جماعت آن‌ها را دوست می‌دارند و آن‌ها را به دوستی می‌گیرند و بر این باورند که بهترین انسان‌ها پس از پیامبران هستند، به این دلیل که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم» [4] «بهترین قرن‌ها قرن من است، سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند و سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند».¹ [صحت این روایت مورد اتفاق است]. و بر این باور هستند که بهترین آن‌ها ابوبکر صدیق است، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذوالنورین، سپس علی مرتضی -رضی الله عنهم اجمعین-؛ و پس از آن‌ها بقیه عشره مبشره، سپس باقی صحابه -رضی الله عنهم اجمعین- هستند؛ و در رابطه با اختلافات میان صحابه سکوت می‌کنند و بر این باورند که آن‌ها در این موضوعات اجتهاد کردند، آنکه اجتهادش درست بوده دو پاداش و آنکه

1 بخاری، الشهادات (۲۵۰۹)؛ مسلم، فضائل الصحابة (۲۵۳۳)؛ ترمذی، المناقب (۳۸۵۹)؛ ابن ماجه، الأحکام (۲۳۶۲)؛ أحمد (۴۳۴/۱).

اجتهادش اشتباه بوده یک پاداش دارد. و اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وسلم- را که به او ایمان داشتند، دوست دارند و آن‌ها را به دوستی می‌گیرند و همسران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- مادران مؤمنان را دوست دارند و برای همه‌ی آن‌ها رضایت الهی را می‌خواهند؛ و از راه و روش روافض که نسبت به یاران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- کینه می‌ورزند و آن‌ها را دشنام می‌دهند و در رابطه با اهل بیت غلو نموده و آن‌ها را از جایگاهی که خداوند به آنان داده، بالاتر می‌برند، اعلام برائت می‌کنند. کما اینکه از روش ناصبیان که با گفتار و کردار خود اهل بیت را می‌آزارند، اعلام برائت می‌کنند.

هر آنچه در این مختصر بیان کردیم بخشی از عقیده صحیحی می‌باشد که خداوند پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- را با آن فرستاده است؛ و این همان عقیده گروه نجات یافته یعنی اهل سنت و جماعت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در مورد آن فرموده است: «لا تزال طائفة من أمتي على الحق منصوره لا يضرهم من خذلهم حتى يأتي أمر الله سبحانه» [5] «همچنان گروهی از امت من بر حق و پیروز خواهد بود که ترک یاری دیگران به آن‌ها آسیبی نمی‌رساند تا اینکه امر الهی (قیامت) فرا برسد».¹ و پیامبر علیه الصلاة والسلام فرمودند: «افترقت اليهود على إحدى وسبعين فرقة، وافترت النصارى على اثنتين وسبعين فرقة، وستفترق هذه الأمة على ثلاث وسبعين فرقة كلها في النار إلا واحدة فقال الصحابة: من هي يا رسول الله؟ قال:

¹ مسلم، کتاب الإمامة (۱۹۲۰)؛ ترمذی، کتاب الفتن (۲۲۲۹)؛ ابو داود، کتاب الفتن و ملاحم (۴۲۵۲)؛ ابن ماجه، کتاب الفتن (۳۹۵۲)؛ احمد (۲۷۹/۵).

من کان علی مثل ما أنا علیه وأصحابی» [6] «یهود هفتاد و یک فرقه شدند و نصارا هفتاد و دو فرقه شدند؛ و این امت هفتاد و سه فرقه خواهد شد که همه آن‌ها در دوزخ خواهند بود مگر یک فرقه». پس صحابه گفتند: ای رسول خدا، آن‌ها چه کسانی هستند؟ ایشان فرمودند: «کسی که بر راه و روش من و یارانم باشد».¹ و این همان عقیده صحیحی است که باید به آن چنگ زد و بر آن پایداری ورزید و از مخالف آن حذر نمود.

ذکر کسانی که از این عقیده منحرف شده و مسیر متضاد و مخالف آن‌را در پیش گرفتند.

اقسام آن‌ها

اما کسانی که از این عقیده منحرف شده‌اند و در مسیر متضاد آن گام برداشته‌اند، اصناف زیادی را تشکیل می‌دهند. برخی از آن‌ها بت‌پرست‌ها، تندیس‌پرست‌ها، ملائکه‌پرست‌ها، اولیاپرست‌ها، جن‌پرست‌ها، درخت و سنگ و اشیاءپرست‌ها هستند. اینان دعوت پیامبران را اجابت نکردند و به آن‌ها پاسخ مثبت ندادند، بلکه با آن‌ها مخالفت کرده و به عناد و لجبازی با آن روی آوردند، چنانکه قریش و اقوام عرب با پیامبر ما محمد -صلی الله علیه وسلم- چنین رفتاری داشتند؛ و از معبودهای خود برای رفع نیازها، درمان بیماران و پیروزی بر دشمنان یاری می‌خواستند و برای آن‌ها قربانی و نذر می‌کردند. و هنگامی که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از این کارها ابراز انزجار کرد و از آن‌ها خواست

1 ابن ماجه، کتاب الفتن (۳۹۹۲).

که عبادت را تنها برای خداوند متعال خالص کنند، این خواسته را عجیب دانستند و آن را انکار کرده و گفتند:

﴿أَجْعَلِ الْإِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ه﴾

«آیا معبودان [مختلف] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است» [ص: ۵]. اما همواره و پیوسته پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- آنان را به سوی خدا دعوت می‌کرد و از شرک بیم می‌داد و حقیقت دعوتی را که به آن فرامی‌خواند برای آنان توضیح می‌داد، تا اینکه خداوند برخی از آن‌ها را هدایت کرد. پس از آن، مردم به تدریج، دسته دسته به دین خدا گرویدند و دین اسلام پس از دعوت مستمر و جهاد طولانی که پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- و صحابه‌اش -رضی الله عنهم- و پیروان نیک آن‌ها انجام دادند، بر سایر ادیان غالب شد. سپس شرایط تغییر کرد و جهل بر بیشتر مردم غلبه کرد تا جایی که بسیاری از آن‌ها دوباره به دین جاهلیت بازگشتند؛ چنانکه در مورد پیامبران و اولیا غلو کرده و آن‌ها را می‌خواندند و از آن‌ها کمک می‌خواستند و مرتکب انواع مختلف شرک می‌شدند. و به این ترتیب آن‌ها دیگر معنای «لا اله الا الله» را چنانکه کفار عرب می‌دانستند، نمی‌دانستند. والله المستعان

و این شرک همچنان در میان مردم تا عصر و دوران ما رواج پیدا نمود و پخش گردید که دلیل آن غلبه‌ی جهل و فاصله طولانی از دوران نبوت بود.

شبهه متأخران که برخی از آن‌ها همان شبهه‌های پیشینیان است و ذکر برخی از عقاید کفرآمیز

شبهه متأخران همان شبهه کسانی است که پیش از آن‌ها بودند؛ اینکه آن‌ها می‌گفتند: «این‌ها شفیعان ما نزد خدا هستند، ما آن‌ها را عبادت نمی‌کنیم مگر برای این که ما را به خدا نزدیک کنند.» ولی خداوند این شبهه را باطل کرده و بیان داشته که هرکس جز او را عبادت کند، هر که باشد، درواقع شرک ورزیده و کافر شده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾

«و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که نه به آنان زیانی می‌رساند و نه سودی به آنان می‌بخشد و می‌گویند: "این‌ها، [واسطه‌ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند"». [یونس: ۱۸]. خداوند در پاسخ به آن‌ها فرمود:

﴿قُلْ أَنتَبِتُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

«[ای پیامبر]، بگو: "آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی [= شریکی] آگاه می‌سازید که در آسمان‌ها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی‌داند؟" او تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند، برتر است». [یونس: ۱۸]. در این آیه خداوند متعال بیان می‌کند که عبادت غیر او، چه عبادت پیامبران و اولیا باشد یا دیگران، شرک اکبر است هرچند

کسانی که مرتکب آن می‌شوند نام دیگری بر آن بگذارند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾
(۴)

«و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که: آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند] و منزلت‌مان را بیشتر کنند[۳]». [الزمر: ۳]. خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

«الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغ‌گوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد». [الزمر: ۳]. در اینجا خداوند به وضوح بیان می‌کند که عبادت کردن غیر او از طریق دعا، ترس، امید و امثال آن، کفر ورزیدن به اوست. و سخن آنان را که می‌گویند «معبودان‌شان آن‌ها را به خدا نزدیک می‌کنند»، تکذیب می‌کند.

از جمله اعتقادات کفرآمیز و مخالف عقیده‌ی صحیح که مخالفت پیام و دعوت پیامبران -علیهم السلام- هم هست، باورهای ملحدان این عصر از جمله پیروان مارکس، لنین و

داعیان کفر و الحاد است. این افراد ممکن است آن را سوسیالیسم، کمونیسم، بعثیسم یا هر نام دیگری بنامند؛ اما یکی از اصول این ملحدان آن است که خدا وجود ندارد و تنها ماده است که حقیقت زندگی را تشکیل می‌دهد. هر کسی نگاهی به کتاب‌های آن‌ها داشته باشد و اعتقاد و باور و اندیشه‌ی آنها را مطالعه نماید، به یقین این موضوع را درک خواهد کرد که از اصول آنها انکار معاد، انکار بهشت و جهنم و کافر بودن به تمام ادیان است. و هیچ شکی نیست که این عقیده مخالف تمامی ادیان آسمانی است و پیروانش را با عواقب وخیمی در دنیا و آخرت روبرو خواهد کرد.

از جمله عقاید مخالف و متضاد حقیقت، اعتقادی است که برخی از باطنی‌ها و برخی صوفیان دارند؛ اینکه برخی از افرادی که «اولیا» می‌نامند، در تدبیر امور عالم با خدا شریک هستند و در امور جهان تصرف می‌کنند. این افراد را به نام‌های «أقطاب»، «أوتاد»، «أغواث» و سایر نام‌هایی می‌نامند که برای خدایان و معبودان خود اختراع کرده‌اند. این یکی از زشت‌ترین انواع شرک در ربوبیت و بلکه بدتر از شرک جاهلیت عرب‌هاست، زیرا عرب‌های کافر عصر جاهلیت، در ربوبیت شرک نورزیدند، بلکه شرک آن‌ها در عبادت بوده است. شرک آن‌ها در زمان رفاه و آسایش بود، اما در زمان سختی و بحران، عبادت را تنها به خداوند اختصاص می‌دادند، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿إِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾

«وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر غرق‌شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند». [العنکبوت: ۶۵]. اما آن‌ها به توحید ربوبیت فقط برای الله اعتراف داشتند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾

«و اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است، مسلماً می‌گویند: "الله"». [الزخرف: ۸۷]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝۳۱﴾

«[ای پیامبر، به مشرکان] بگو: "کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم است؟ و کیست که [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آورد و [ماده] بی‌جان مرده را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟" خواهند گفت: "الله". پس بگو: "آیا پروا نمی‌کنید؟"» [یونس: ۳۱]. و آیات در این معنا بسیارند.

آنچه مشرکان اخیر بر شرک مشرکان نخستین افزودند.

مشرکان اخیر در دو زمینه نسبت به مشرکان عصر نخستین اسلام دچار انحراف بیشتری شده‌اند: اول اینکه برخی از آن‌ها در ربوبیت نیز شرک ورزیده‌اند؛ و دوم اینکه در زمان رفاه و سختی به شرک روی آورده‌اند. کسانی که با آن‌ها مراوده داشتند و احوال آن‌ها را بررسی کرده باشند، به خوبی این موضوع را می‌دانند. و این افراد را در کنار قبری مانند قبر حسین، بدوی و دیگران در مصر، قبر عیدروس در عدن، قبر هادی در یمن، قبر ابن عربی در شام، قبر شیخ عبدالقادر جیلانی در عراق و سایر قبور معروف دیده‌اند که چه کارهایی انجام داده و چگونه در حق آن‌ها غلو می‌کنند و بسیاری از حقوق خداوند عزوجل را به آن‌ها اختصاص داده‌اند. این درحالی است که کمتر کسی پیدا می‌شود به آن‌ها گوشزد کند که این اعمال، نادرست و ناروا هستند و حقیقت توحیدی را برای آن‌ها بیان کند که خداوند پیامبرش -صلی الله علیه وسلم- و پیش از او پیامبران دیگر را با آن فرستاده است؛ *إنا لله وإنا إليه راجعون*. از خداوند متعال می‌خواهیم که آن‌ها را به راه راست بازگرداند و دعوتگران هدایت را در میان‌شان بیشتر کند و رهبران و علمای مسلمانان را توفیق دهد تا با این شرک مبارزه کنند و آن را به همراه وسایل و مقدمات آن از بین ببرند. یقیناً خداوند شنوا و نزدیک است.

یکی از باورهای مخالف و متضاد با عقیده‌ی صحیح در باب اسماء و صفات، باورهای اهل بدعت از جمله جهمیّه، معتزله و کسانی است که راه آنان را در پیش گرفته‌اند و صفات خداوند عزوجل را انکار نموده و او را فاقد صفات

کمال دانسته‌اند و او را با صفات موجودات معدوم، جمادات و امور غیرممکن توصیف کرده‌اند. خداوند از گفته‌های آنان منزّه و بسیار برتر است. و کسانی که برخی صفات را نفی کرده و برخی را اثبات کرده‌اند، مانند اشاعره، چنین هستند. زیرا در صفاتی که اثبات کرده‌اند، همان چیزی بر آن‌ها لازم می‌آید که از آن در صفات نفی شده فرار کرده و دلایل آنها را تأویل کرده‌اند و به این ترتیب با دلایل نقلی و عقلی مخالفت کرده و در این زمینه دچار تناقض آشکاری شده‌اند. اما اهل سنت و جماعت اسماء و صفاتی که خداوند برای خود اثبات کرده یا پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- برای او اثبات کرده است، بر وجه کمال پذیرفته‌اند و او را از هرگونه مشابّهت با مخلوقش پاک و منزّه دانسته‌اند؛ تنزیهی که از شائبه‌ی تعطیل صفات به دور می‌باشد؛ و اینگونه به تمام دلایل شرعی عمل کرده‌اند، بی‌آنکه دچار تحریف و تعطیل صفات شوند و از تناقضی که دیگران به آن دچار شدند در امان ماندند. و این راه نجات و خوشبختی در دنیا و آخرت و همان راه راستی است که پیشینیان و امامان این امت پیموده‌اند؛ و آخر این امت اصلاح نمی‌شود مگر به همان چیزی که اول امت اصلاح شد؛ و آن پیروی از قرآن و سنت و ترک هر چیزی است که با آن‌ها مخالف باشد.

وجوب عبادت الله به یگانگی و بیان اسباب پیروزی بر دشمنان الله

مهم‌ترین واجب انسان مکلف و بزرگ‌ترین فریضه‌ی او این است که پروردگارش را عبادت کند؛ پروردگار آسمان‌ها

و زمین و پروردگار عرش بزرگ که در کتاب گرامی‌اش
قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ٥٤﴾

«[ای مردم،] بی‌گمان، پروردگار شما الله است که
آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که
شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت.
[تاریکی] شب را با [روشنایی] روز می‌پوشاند که [هریک،]
آن [دیگری] را شتابان می‌جوید و خورشید و ماه و ستارگان
را [پدید آورد] که [همگی] به فرمان او به خدمت [انسان]
گماشته شده‌اند. آگاه باشید! آفرینش و فرمانروایی، از آن
اوست. پیربرکت [و بزرگ] است الله که پروردگار جهانیان
است». [الأعراف: ۵۴]. و خداوند در جای دیگر فرموده است
که انسان‌ها و جنیان را برای عبادتش آفریده است.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ٥٦﴾

«و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت
کنند». [الذاریات: ۵۶]. این عبادتی که خداوند جن و انسان را
برای آن آفریده است، همان یکتا و یگانه شمردن او در انواع
عبادات از جمله نماز، روزه، زکات، حج، رکوع، سجود،
طواف، قربانی، نذر، ترس، امید، به فریاد خواستن، یاری

جستن، پناه خواستن و همه‌ی عبادت‌هایی می‌باشد که انواع مختلفی دارند. همچنین شامل اطاعت از دستورات خداوند در تمامی اوامر و پرهیز از نواهی اوست که قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی‌اش محمد -صلی الله علیه وسلم- بر آن‌ها دلالت دارند. و خداوند همه‌ی انسان‌ها و جنیان را به این عبادت امر نموده که برای آن آفریده شده‌اند؛ و اینکه پیامبران را فرستاده و کتاب‌های آسمانی را نازل نموده، همه برای بیان این عبادت و شرح آن و دعوت به سوی آن و امر به اخلاص در آن برای خداوند بوده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲۱)

«ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید؛ همان ذاتی که شما و پیشینیان‌تان را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید». [البقرة: ۲۱]. و خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾

و پروردگارت چنین فرمان داده است که: «جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید». [الإسراء: ۲۳]. و معنای (قضی) در این آیه این است که دستور داده و توصیه کرده است. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾

«و آنان فرمان نیاقتند جز اینکه الله را عبادت کنند درحالی که دین خود را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات بپردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم». [البینة: ۵]. و آیات قرآن در این معنا بسیار است، الله عزوجل می فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

«و آنچه رسول الله به شما داد، بپذیرید و از آنچه شما را از آن نهی کرد دست بردارید؛ و از الله پروا کنید که الله سخت کيفر است». [الحشر: ۷]. و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ٥٩﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله و پیامبر و کارگزاران [و فرماندهان مسلمان] خود اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر بازگردانید. اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، [یقین داشته باشید که] این [بازگشت به قرآن و سنت، برای تان] بهتر و

خوش‌فرجام‌تر است». [النساء: ۵۹]. و خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾

«آنکه از پیامبر اطاعت کند، درحقیقت از الله اطاعت کرده است». [النساء: ۸۰].

و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

«و درحقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند فقط] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید». [النحل: ۳۶]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ (۲۵)

«و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن که به او وحی کردیم که: معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید». [الأنبياء: ۲۵]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۝ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۚ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ (۲)

«الر [= الف. لام. را]. این [قرآن،] کتابی است که آیات آن استحکام یافته است و سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است.*

[پیام پیامبر این است] که جز الله را عبادت نکنید [که] بی‌تردید، من از سوی او برای‌تان بیم‌دهنده و بشارت‌گر هستم». [هود: ۱-۲].

این آیات محکم در قرآن و دیگر آیاتی که در این معنا آمده، همه به وجوب اخلاص در عبادت فقط برای خداوند دلالت دارند و اینکه اخلاص در عبادت، اصل دین و اساس امت است؛ کما اینکه بر این دلالت دارند که حکمت از آفرینش جنیان و انسان‌ها و ارسال پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی همین بوده است؛ بنابراین بر همه مکلفان واجب است که به این موضوع توجه کنند و آنرا بیاموزند و از اشتباهاتی که بسیاری از منتسبان به اسلام مرتکب شده و از مصادیق انواع شرک اکبر هستند، پرهیز کنند؛ از مواردی چون غلو در پیامبران و صالحان و ساختن گنبد و بارگاه و مسجد بر روی قبرهای‌شان؛ و درخواست نمودن از آن‌ها، به فریادخواندن و کمک خواستن از آن‌ها، پناه بردن به آن‌ها، درخواست رفع حاجات و از بین بردن مشکلات و شفای بیماران و پیروزی بر دشمنان از آن‌ها و... در احادیث صحیح روایاتی از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- موافق با این دلالت قرآنی وجود دارد، برای نمونه در صحیحین از معاذ -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- خطاب

به او فرمودند: «أتدري ما حق الله على العباد وحق العباد على الله؟ فقال معاذ: قلت الله ورسوله أعلم، فقال النبي -صلى الله عليه وسلم- حق الله على العباد أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، وحق العباد على الله أن لا يعذب من لا يشرك به شيئاً» [7] الحديث. «آیا می‌دانی حق خداوند بر بندگان و حق بندگان بر خداوند چیست؟» معاذ می‌گوید: گفتیم: الله و رسولش بهتر می‌دانند؛ پیامبر -صلى الله عليه وسلم- فرمودند: «حق خداوند بر بندگان این است که او را عبادت نموده و چیزی را با او شریک نسازند؛ و حق بندگان بر خداوند این است که کسی که چیزی را با او شریک نکرده، عذاب ندهد»¹ و در صحیح بخاری از ابن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلى الله عليه وسلم- فرمودند: «من مات وهو يدعو لله ندا دخل النار» [8] «هرکس درحالی بمیرد که برای خدا همتایی گرفته است، وارد آتش دوزخ خواهد شد»² و مسلم در صحیح خود از جابر -رضی الله عنه- روایت کرده است که پیامبر -صلى الله عليه وسلم- فرمودند: «من لقي الله لا يشرك به شيئاً دخل الجنة ومن لقيه يشرك به شيئاً دخل النار» [9] «هرکس درحالی با خداوند ملاقات کند که چیزی را با او شریک نکرده باشد، وارد بهشت خواهد شد؛ و هرکس درحالی خداوند را ملاقات کند که چیزی را با او شریک کرده باشد، وارد دوزخ خواهد شد»³ احادیث زیادی

1 بخاری، کتاب الاستئذان (۵۹۱۲)؛ مسلم، کتاب الإیمان (۳۰)؛ ترمذی، کتاب الإیمان (۲۶۴۳)؛ ابن ماجه، کتاب الزهد (۴۲۹۶)؛ احمد (۲۳۸/۵).

2 بخاری، کتاب تفسیر قرآن (۴۲۲۷)؛ مسلم، کتاب الإیمان (۹۲)؛ احمد (۳۷۴/۱).

3 بخاری، کتاب العلم (۱۲۹)؛ مسلم، کتاب الإیمان (۳۲)؛ احمد (۱۵۷/۳).

در این زمینه وجود دارد و این مسأله یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسائل است. خداوند پیامبرش محمد -صلی الله علیه وسلم- را با دعوت به توحید و نهی از شرک فرستاده است. و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- تمام مواردی را که خداوند به او فرمان داده بود، به کامل‌ترین وجه ابلاغ نمود و در راه الله شدیدترین اذیت و آزارها را متحمل شد و بر آنها صبر نمود؛ و اصحاب و یارانش -رضی الله عنهم- با او بر تبلیغ دعوت صبر کردند تا اینکه خداوند متعال تمام بت‌های جزیره العرب را نابود کرد و از بین برد و مردم گروه گروه به دین خدا گرویدند و مجسمه‌ها و بت‌های پیرامون کعبه و داخل آن شکسته شدند. بت‌های لات، عزی و مناة نابود شدند و تمامی بت‌های قبایل عرب شکسته شدند. همچنین بت‌هایی که نزدشان بود از بین رفت و کلمه‌ی خداوند چیره شد و اسلام در جزیره العرب غالب گردید. پس از آن مسلمانان برای دعوت و جهاد رهسپار خارج شبه جزیره شدند و خداوند به وسیله آن‌ها بندگانی که به آن‌ها اراده لطف داشت و خوشبختی آن‌ها را مقدر کرده بود هدایت نمود و حق و عدالت را توسط آن‌ها در سراسر جهان منتشر ساخت؛ و به این ترتیب امامان هدایت و رهبران حق و دعوتگران عدالت و اصلاح شدند. و تابعین و پیروان نیک آن‌ها امامان هدایت و دعوتگران حق، راه آنان را ادامه داده و دین خدا را منتشر ساختند و مردم را به توحید الهی فراخوانده و با جان و مال خود در راه خدا جهاد کردند بدون اینکه از سرزنش کسی پروا داشته باشند، پس خداوند آن‌ها را حمایت و یاری کرد و آن‌ها را بر دشمنان‌شان

غالب گرداند و وعده‌ای را که به آن‌ها داده بود محقق ساخت،
انجا که فرموده بود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ۝٧﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین و پیامبر] الله را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌های‌تان را [ثابت و] استوار می‌دارد». [محمد: ۷]. و اینکه فرموده بود:

﴿وَلْيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝٤٠ الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۝٤١﴾

«و الله کسی را که [دین] او را یاری دهد، یقیناً یاری می‌کند. بی‌تردید، الله قدرتمند شکست‌ناپذیر است.*

[همان] کسانی که هرگاه در زمین به آنان قدرت [و حکومت] ببخشیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و [مردم را] به نیکی فرمان می‌دهند و از ناپسند باز می‌دارند؛ و سرانجام کارها از آن الله است». [الحج: ۴۰-۴۱]. اما بعد از آن مردم تغییر کردند و دچار تفرقه شدند و در رابطه با موضوع جهاد سهل‌انگاری کردند و راحتی و پیروی از شهوت‌ها را ترجیح دادند؛ و انواع کارهای بد و منکر در میان‌شان آشکار شد، مگر در میان کسانی که خداوند حفظشان کرده بود؛ پس خداوند اوضاعشان را تغییر داد و بخاطر

کردارشان دشمن‌شان را بر آن‌ها مسلط کرد؛ و خداوند در حق
بندگان ستم نمی‌کند؛ او می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا
بِأَنْفُسِهِمْ﴾

«این [کیفر سخت،] از آن روست که الله هرگز بر آن
نبوده است که نعمتی را که بر مردمی ارزانی داشته است
دگرگون کند؛ مگر آنکه آنان [رفتار موحدانۀ] خود را تغییر
دهند [و کفر و ناسپاسی بورزند]؛ و بی‌تردید، الله شنوای
دانا است». [الأنفال: ۵۳]. بنابراین بر همهٔ دولت‌ها و ملت‌ها
واجب است که به سوی خداوند بازگشته و عبادت را تنها برای
خداوند خالص بگردانند و از کوتاهی‌ها و گناهان گذشته توبه
کنند و واجبات الهی را انجام داده و از کارهای حرام دوری
کنند و یکدیگر را به نیکی سفارش نموده و با هم در کارهای
نیک همکاری کنند.

و از مهم‌ترین مسائلی که باید به آن توجه شود، اقامه‌ی
حدود شرعی و اجرای شریعت اسلامی در تمامی جنبه‌های
زندگی مردم است. اینکه باید بر اساس شریعت، حکم و
داوری کرد و قوانین وضعی که مخالف شریعت خداوند هستند
کنار گذاشت و مردم را به عدم تبعیت از آن‌ها و پیروی از
حکم شرع ملزم نمود. همچنین، بر علما واجب است که مردم
را در دین خود آگاه سازند و روند بیداری اسلامی را در میان
آنان گسترش دهند و یکدیگر را به حق و صبر توصیه کنند،

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و حاکمان را به انجام این امور تشویق کنند. چنانکه باید با اصول و مبانی مخرب مانند سوسیالیسم، بعثی‌گری، تعصب‌های قومی و دیگر اصول و مکاتب مخالف شریعت مبارزه شود. بدین ترتیب، خداوند آنچه را که فاسد شده اصلاح می‌کند و آنچه را که از دست رفته، به مسلمانان باز می‌گرداند و عزت از دست رفته‌ی‌شان را به آن‌ها باز می‌گرداند و آنان را در برابر دشمنان‌شان پیروز می‌کند؛ و به آن‌ها در زمین قدرت می‌دهد، چنانکه در قرآن فرموده است و او راست‌گوترین است:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

«و یاری‌دادن مؤمنان [حق] بر عهده ما است». [الروم: ۴۷]. و الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ٥٥﴾

«الله به افرادی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین [مشرکان] می‌سازد؛ چنانکه کسانی را که پیش از آنان بودند [نیز] جانشین [کافران و ستمگران] نمود؛ و [فرموده است] دین‌شان را که برای آنان پسندیده است، حتماً برای‌شان استوار [و پیروزمند] می‌سازد و یقیناً ترس‌شان را

به آرامش و امنیت تبدیل می‌کند؛ [چرا که] تنها مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند؛ و هرکس از این پس کفر بورزد، اینانند که نافرمانند». [النور: ۵۵]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ
الْأَشْهَادُ﴾

«بی‌گمان، ما پیامبران خویش و اهل ایمان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [به شهادت] برمی‌خیزند، یاری می‌کنیم.* [غافر: ۵۱].

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝۲﴾

روزی که عذرخواهی ستمگران سودی به حال‌شان نخواهد داشت؛ آنان از رحمت الهی به دورند و دشواری عذاب آخرت را [در پیش] دارند». [غافر: ۵۲].

از الله سبحان می‌خواهیم رهبران مسلمانان و همه مسلمانان را اصلاح نموده و فهم دین را به آنان عنایت کند؛ و آن‌ها را بر تقوی متحد نموده و همه آن‌ها را به راه راست خود هدایت کند؛ و حق را به وسیله آنان یاری داده و باطل را به وسیله آنان خوار و ذلیل نماید؛ و به همه آنان توفیق دهد در کارهای نیک و تقوا با هم همکاری کنند؛ و به حق و صبر سفارش کنند، همانا خداوند ولی و قادر بر آن است. و درود خداوند بر بنده و پیامبر و بهترین آفریده‌اش پیامبر ما، امام و سرور ما محمد بن عبدالله و بر خاندان و یاران او و هر کسی

که راه و روش او را در پیش بگیرد. والسلام علیکم ورحمة
الله وبرکاته.

فهرست

عقیده صحیح و آنچه با آن در تضاد است	2
مقدمه	2
ایمان به الله تعالی	6
ایمان به ملائکه	17
ایمان به کتاب‌های آسمانی	18
ایمان به پیامبران	21
ایمان به روز بازپسین (آخرت)	22
ایمان به تقدیر	23
ایمان قول و عمل است و با اطاعت و فرمانبرداری زیاد و با نافرمانی و گناه کم می‌شود	26
محبت ورزیدن برای خداوند و کینه ورزیدن برای خداوند، دوستی بخاطر خداوند و دشمنی بخاطر خداوند	27
ذکر کسانی که از این عقیده منحرف شده و مسیر متضاد و مخالف آنرا در پیش گرفتند	29
وجوب عبادت الله به یگانگی و بیان اسباب پیروزی بر دشمنان الله	36